



اف. استفن لاریبی

رویکرد نوین ترکیه به خاورمیانه

مترجم: مسعود آخوندمهیزی

پس از چند ماه کشمکش سیاسی در کشور ترکیه که بین طرفداران بنیان‌گذار آن کشور کمال آتاتورک (سکولارها) و احزاب قدرتمند نظیر حزب عدالت و توسعه به رهبری اردغان سرانجام این حزب که از آرای بالای پارلمانی و مردمی برخوردار بود، توانست پس از سه جلسه رأی‌گیری که دو جلسه آن به ناکامی کاندیدای مورد حمایت اردغان و حزب او در جلب آرای لازم نمایندگان پارلمان ترکیه برای فرستادن عبدالله گل به کاخ ریاست جمهوری انجامید، سرانجام با استفاده از اصول قانون اساسی ترکیه این وزیر خارجه قدرتمند و مورد حمایت نخست‌وزیر اردغان در جلسه سوم با اکثریت نسبی غیر قابل توجهی به کاخ ریاست جمهوری ترکیه نقل مکان نمود. هرچند در مراسم تشریفاتی مرسوم برای رفتن رئیس‌جمهور به کاخ ریاست جمهوری از سران ارتش ترکیه خبری نبود ولی آقای عبدالله گل با سخنان خود که بعد از انتخاب به ریاست جمهوری با مردم این کشور به خصوص ارتشیان در میان گذاشت قول داد از قانون اساسی ترکیه و آرمان‌های بنیان‌گذار این کشور کمال آتاتورک برای حفظ وحدت و یکپارچگی ترکیه حمایت نماید.

آقای عبدالله گل که در میان رهبران کشورهای اروپایی وجهه قابل قبولی از خود ارائه داده است سعی خواهد کرد در زمان زمامداری‌اش آرزوی دیرینه مردم ترکیه را برای پیوستن به اتحادیه اروپا تحقق بخشد.

آیسا او در این آرزو که آرزوی همه مردمان ترکیه است توفیق خواهد داشت یا نه مسئله‌ای است که آینده نه چندان دور به آن پاسخ خواهد داد.

آنچه در زیر از نظر شما خواهد گذشت مقاله تحلیلی نویسنده سرشناس آقای اف. استفن لاریبی تحلیل‌گر مسائل ترکیه است که به روابط ترکیه نه از زاویه نگاه مسئولان جدید ترکیه به اروپا بلکه به خاور میانه پرداخته شده است، مسئله‌ای که برای سیاستمداران و مردم ترکیه کمتر از روابط و نزدیکی آنها با کشورهای اروپایی نخواهد بود.

● حوادث اخیر که بین ژنرال‌ها و اسلامگرایان در ترکیه رخ داده، توجه ترکیه را بیشتر به سمت سیاست‌های داخلی جلب کرده است. لیکن یک تغییر قابل توجه در سیاست‌های خارجی ترکیه نیز رخ داده که کمتر به چشم می‌آید. پس از ده‌ها سال که ترکیه نسبت به خاورمیانه منفعلانه عمل می‌کرد، اکنون ترکیه به یک بازیگر دیپلماتیک مهم در منطقه خاورمیانه تبدیل شده است. در سال‌های گذشته آنکارا روابط بسیار نزدیکی با ایران و سوریه برقرار کرده، و این در حالی است که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تنش‌هایی بین ترکیه و این دو کشور وجود داشت. ترکیه یک رویکرد فعال نسبت به مشکلات فلسطین اتخاذ کرده و روابطش را با دنیای اعراب به طور خیلی گسترده ارتقا داده است. فعالیتهای جدید ترکیه خارج از چارچوب سیاست‌های سنتی که مؤسس و بنیانگذار آن یعنی آتاتورک پایه‌گذاری کرده بود، قرار می‌گیرد. طبق نظر آتاتورک آن باید تحرکاتش را در امور مربوط به خاورمیانه محدود می‌کرد و آنکارا بجز یک مدت کوتاهی در دهه ۱۹۵۰، عمیقاً به این سیاست وفادار بوده است.

اما تمرکز اخیر ترکیه بر خاورمیانه بدین معنی نیست که ترکیه در حال چرخش و برگشت از سمت غرب است. برخلاف نظر برخی منتقدان که اسناد و شواهدی مبنی بر خیزش اسلامگرایی مطرح می‌کنند، فعالیتهای جدید ترکیه پاسخی است به تغییرات ساختاری در محیط امنیتی که از انتهای جنگ سرد آغاز شده، و اگر این فعالیتهای به نحو مناسبی مدیریت شود، برای واشنگتن و متحدانش نیز می‌تواند یک فرصت محسوب شود تا بتوانند از ترکیه به عنوان پلی در خاورمیانه استفاده کنند. طی جنگ سرد تهدید اصلی بر امنیت ترکیه تقریباً منحصر به شوروی بود اما امروزه ترکیه با چالش‌های بیشتری مواجه است. افزایش تحرک جدایی‌طلبان کرد، خشونت‌های فرقه‌ای در عراق که می‌تواند به ترکیه سرایت کند، ایران که قدرتش در حال افزایش است و جنگ‌های طایفه‌ای در لبنان از جمله تهدیدات علیه ترکیه محسوب می‌شوند، که منشاء آنها در جنوب ترکیه و منطقه خاورمیانه بزرگ قرار دارد. لذا ترکیه به این نتیجه رسیده، که به این مسائل توجه بیشتری داشته باشد. در همین زمان روابط بین ترکیه و غرب تنزل یافته است. مسیر عضویت ترکیه به اتحادیه اروپا تقریباً با بن‌بست مواجه شده است. اروپا با طرح مسائلی نظیر مسئله قبرس و اجرای اصلاحات اقتصادی و سیاسی مانع عضویت ترکیه می‌شود. از طرف دیگر نگرانی‌های اروپا در زمینه مسائلی نظیر مهاجرت، بیکاری و گسترش بی‌رویه اتحادیه اروپا منجر به کاهش روابط بین دو طرف شده است. روابط ترکیه با ایالات متحده نیز با افزایش تنش همراه بوده است که عامل اصلی آن نیز تهاجم آمریکا به عراق است. در یک نظرسنجی که



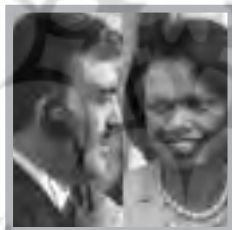
و در خطر فروپاشی احتمالی قرار دارد. نفوذ ایران بر عراق و بر منطقه افزایش یافت. کردهای عراق به سمت استقلال پیش رفتند و حتی یک دولت نیمه رسمی تشکیل دادند. مقامات رسمی ترکیه نگران بودند که ایجاد یک دولت کرد در جنوب مرزهای ترکیه فعالیت جدایی طلبان کرد را تشدید کند و تمامیت ارضی این کشور را مورد تهدید قرار دهد. این مشکل بااهمیتی به شمار می رود. ترکیه با موج ناگهانی خشونت‌ها از طرف PKK مواجه شده است. در دو دهه اخیر PKK در جنوب ترکیه به جنگ‌های چریکی دست می‌زند. جنگ‌هایی که منجر به کشته شدن بیش از ۳۵ هزار ترک و کرد شده بود. پس از دستگیری عبدالله اوجلان رهبر آنان در سال ۱۹۹۹، PKK به صورت یک جانبه اعلام آتش‌بس کرده بود و خشونت‌ها به طور موقت کاهش یافته بود. اما این گروه بار دیگر در ژوئن ۲۰۰۴ مسلح شد. از ژانویه ۲۰۰۶ از پناهگاه این گروه در ناحیه کوهستانی کندیل در شمال عراق، پی در پی حملاتی به قلمرو ترکیه انجام شده است. حملاتی که منجر به کشته شدن چندصد نیروی امنیتی ترکیه شده است. دولت اردوغان مکرراً از نیروهای ایالات متحده درخواست کرده است که به برچیدن کمپ‌های آموزشی PKK در شمال عراق کمک کند. اما واشنگتن نسبت به انجام عملیات نظامی در این زمینه بی‌میل بوده است. پنتاگون ادعا می‌کند که نیروی اضافی در اختیار ندارد تا در نقاط دیگر عراق به جنگ بپردازد. به علاوه مقامات رسمی ایالات متحده بینکار هستند که حمله به PKK وضعیت شمال عراق را وخیم کند. منطقه‌ای که هم‌اکنون باثبات‌ترین نقطه در عراق محسوب می‌شود. کردها بزرگترین حامی سیاستهای ایالات متحده در عراق بوده‌اند و بدون حمایت آنها امیدواری بر حفظ وحدت عراق کم‌رنگ می‌شود. تبعض واشنگتن در همکاری با ترکیه احساسات ضد امریکایی را بسیار افزایش داده است. برخی ترک‌ها رفتار واشنگتن در زمینه حمایت از PKK را به عنوان یک استنادار دوگانه مطرح می‌کنند. آنها می‌گویند که ایالات متحده به دو کشور عراق و افغانستان حمله کرده است تا پناهگاه تروریست‌ها را از بین ببرد، اما اکنون در همین زمینه کمک به ترکیه را نمی‌پذیرد.

علاوه بر این مشکلات، مشکلات بالقوه دیگری نیز وجود دارد. کرکوک که شهری در شمال عراق است، صاحب یکی از بزرگترین میدانهای نفتی جهان می‌باشد. برای تعیین وضعیت این شهر تصمیم بر آن است که تا قبل از پایان سال در آن referendum برگزار شود. صدام در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به منظور عربی کردن این شهر، صدها هزار نفر از کردهای این شهر را اخراج کرده بود، لیکن در سالهای اخیر آنها به این شهر بازگشته و خانه‌ها و سایر املاک و دارایی‌هایشان را دوباره در اختیار گرفته‌اند. اکنون کردهای عراق خواهان

توسط بنیاد ژرمن مارشال در سپتامبر ۲۰۰۶ انجام شده است، در پاسخ به این مسأله که «جورج بوش صلاحیت مدیریت بر امور بین‌الملل را دارد»، ۸۱ درصد از ترک‌ها نظر مخالف داده‌اند و تنها ۷ درصد در این مورد نظر مثبت داده‌اند. هم‌اکنون ترکیه در موقعیتی قرار گرفته است که به طور بی‌سابقه‌ای روابط سطح پایین با اتحادیه اروپا و ایالات متحده دارد. این روند نزولی با تغییرات داخلی مهمی در جامعه ترکیه همزمان شده، و روابط روز به روز تنزل بیشتری پیدا می‌کند. پس از جنگ جهانی دوم نخبگان طرفدار غرب که سیاست خارجی را شکل می‌دهند به تدریج با سیاستمداران محافظه‌کارتر، مذهبی‌تر و ملی‌گراتر جایگزین شده‌اند. این افراد نسبت به رفتار غرب در قبال ترکیه مشکوک هستند و رویکرد و نگاه مثبتی نسبت به زمان ترکیه عثمانی دارند. حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه (مشهور به حزب AKP)، که توسط رجب طیب اردوغان رهبری می‌شود، ترکیبی از ملی‌گرایی و اسلام را برای اداره حکومت انتخاب کرده است. جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۰ بحرانی بود که در بازگشت ترکیه به خاورمیانه تأثیر بسزایی داشت. به رغم نصیحت برخی از مشاوران و فرماندهان نظامی ترکیه، رئیس‌جمهور تورگوت اوزال از لشکرکشی نظامی امریکا برای عقب راندن عراق از کویت حمایت کامل کرد. او بر اجرای تحریمات سازمان ملل تأکید نمود، لذا جریان صادرات نفت عراق از داخل خطوط لوله ترکیه را متوقف کرد.

۱۰۰ هزار نیروی نظامی را در مرزهای ترکیه و عراق مستقر نمود، و به ایالات متحده اجازه داد که از پایگاه‌های ترکیه بر فراز عراق پرواز انجام بدهد. اوزال این جنگ را به منزله فرصتی دید تا اهمیت استراتژیک ترکیه را اثبات کند و روابط تنگاتنگ نظامی با ایالات متحده داشته باشد. او امیدوار بود که حمایت ترکیه از امریکا باعث شود که ترکیه به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده پذیرفته شود و چشم انداز پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز سریع‌تر به حقیقت پیوندد. اما امیدهای اوزال در هر دو زمینه واهی بود. شراکت استراتژیک با ایالات متحده هرگز جامعه عمل به خود نپوشید و روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا پیشرفت بسیار اندکی داشت. از لحاظ اقتصادی نیز ترکیه بهای سنگینی را بابت حمایت از حمله نظامی امریکا پرداخت. این کشور میلیاردها دلار بابت قطع تجارت با عراق و توقف ترانزیت نفت عراق از دست داد. از لحاظ سیاسی جنگ باعث گسترده‌تر شدن مشکل کردها شد که برای ترکیه یک مشکل اساسی محسوب می‌شود. تأسیس یک دولت خودخوانده (دو فاکتو) در شمال عراق، و تحت حمایت غرب، برای ملی‌گرایان کرد انگیزه‌های زیادی ایجاد کرد. و این دولت خودخوانده کرد در شمال عراق پایگاه‌هایی در اختیار حزب کارگران کرد (PKK) قرار داد تا حملاتی علیه ترکیه داشته باشند. از نظر برخی ترک‌ها مشکلات ترکیه پس از جنگ امریکا با عراق در سال ۱۹۹۰ شروع شد.

به طور کلی ترک‌ها در پذیرش اینکه ایالات متحده برای عملیاتی خارج از ناتو از تسهیلات ترکیه استفاده کند، بسیار محتاطانه عمل کرده بودند. تصمیم اوزال مبنی بر اینکه ایالات متحده از تسهیلات ترکیه برای پرواز بر فراز عراق استفاده کند یک استثنا بود و نه یک قاعده عمومی. پس از جنگ عراق، ترکیه به ایالات متحده، انگلستان، و فرانسه اجازه داد که از پایگاه‌های این کشور برای نظارت بر منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق استفاده کنند. این مجوز با محدودیتهای زیادی همراه بود. از جمله اینکه موافقتنامه استفاده از این پایگاه‌ها باید هر شش ماه یکبار تمدید شود. در سال‌های اخیر دولت ترکیه بر عملیات‌های ایالات متحده در پایگاه هوایی اینچرلیک در جنوب ترکیه محدودیتهای بیشتری را تحمیل کرده است. اگرچه آنکارا پذیرفته که پنتاگون از پایگاه اینچرلیک برای حمل و نقل نیروهای نظامی و تجهیزات به عراق و افغانستان استفاده کند، اما اجازه نمی‌دهد که ایالات متحده از این پایگاه برای مأموریت‌های جنگی در خاورمیانه و خلیج فارس استفاده نماید، تجاوز نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به عراق، ترکیه را هرچه بیشتر به گرداب سیاستهای خاورمیانه‌ای کشاند. آنها عاشق صدام حسین نبودند اما حداقل صدام ثبات را در مرزهای جنوبی ترکیه تأمین می‌کرد. آنها نگران این بودند که سرنگونی صدام عراق را متلاشی کند و ملی‌گرایان کرد قدرت بگیرند و از این طریق امنیت ترکیه در خطر قرار بگیرد. پس از تهاجم امریکا به عراق، رهبران ترکیه دیدند که ترسشان واقعی بود، عراق به سرزمینی تبدیل گردید که منشاء تولید تروریسم شد،



آن هستند که کرکوک به عنوان پایتخت دولت منطقه کردنشین در شمال عراق انتخاب شود، اما مقامات رسمی ترکیه با این موضوع مخالف هستند. آنکارا خواهان آن است که قدرت در این شهر بین همه قومیت‌ها تقسیم شود، و تا زمانی که وضعیت این شهر روشن نشده است، رفرا ندوم به تعویق بیفتد.

دشمن دشمن من

سیاستمداران عمل‌گرا در ترکیه تلاش‌های تأمل برانگیزی برای ارتباطات گسترده‌تر و قوی‌تر در خاورمیانه و به خصوص با ایران و سوریه داشته‌اند. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رابطه آنکارا با تهران و دمشق در بخش‌هایی تنش‌آمیز بود، اما در سال‌های اخیر روابط به طور قابل ملاحظه‌ای پیشرفت داشته است، و علت اصلی آن هم منافع مشترک این سه کشور می‌باشد که تمایلی ندارند یک دولت مستقل کرد در کنار مرزهایشان ظهور کند.

همکاری ترکیه با ایران به خصوص در حوزه امنیتی تقویت شده است. طی دیدار نخست‌وزیر اردوغان از تهران در جولای ۲۰۰۴، ترکیه و ایران یک موافقتنامه همکاری امنیتی امضا کردند که سازمان PKK را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی می‌کرد. پس از آن همکاری‌های بین دو کشور برای حفاظت از مرزهایشان افزایش یافت. ایران نظیر ترکیه در منطقه کردنشین خود با مشکلاتی مواجه است. در چند سال گذشته گروهی که با PKK ارتباط داشتند و برای آزادی کردستان در ایران می‌جنگیدند، حملاتی را علیه نیروهای امنیتی ایران انجام داده بودند. تهران نیز با گلوله باران کردن مقر PKK در کوهستان کندیل اقدام آنها را تلافی کرد. انرژی عامل مهم دیگری بوده است که موجب گرمی روابط بین ایران و ترکیه شده است. ایران دومین فروشنده گاز طبیعی به ترکیه است (پس از روسیه). در جولای ۱۹۹۹، مدت زمان کوتاهی پس از به قدرت رسیدن نجم‌الدین اربکان یک قرارداد ۲۳ میلیارد دلاری برای تحویل گاز طبیعی ایران به مدت ۲۵ سال بین ایران و ترکیه بسته شد. در فوریه ۲۰۰۷، او در زمان نخست‌وزیری اردوغان، ترکیه و ایران دو قرارداد جدید در حوزه انرژی منعقد کردند. براساس قرارداد اول شرکت نفتی ترکیه (TPAO) اجازه یافت به اکتشاف نفت و گاز طبیعی در ایران بپردازد. و قرارداد دوم در زمینه انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه (و سپس به اروپا) از خطوط لوله گاز در ایران است. توافقنامه دوم ترکیه با ایران با تمایل واشنگتن مبنی بر عبور نکردن خطوط لوله گاز و نفت از ایران مغایرت دارد و ممکن است موجب برهم زدن روابط بین ترکیه و ایالات متحده شود.

ارتباط ترکیه با سوریه نیز به طور قابل توجهی در دهه اخیر افزایش پیدا کرده است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بین این دو کشور تنشهایی وجود داشت که اوج آن به اکتبر ۱۹۹۸ بر می‌گردد. ترکیه اعلام کرد که اگر دمشق حمایت‌هایش را از PKK قطع نکند، به سوریه حمله نظامی خواهد کرد. دمشق در مقابل برتری قابل ملاحظه‌ای نظامی که ترکیه داشت تسلیم شد، و رهبر PKK یعنی عبدالله اوجلان را از سوریه اخراج نمود و کمپهای آموزشی PKK را نیز تعطیل کرد. پس از آن دمشق به تدریج به دنبال راه‌های افزایش رابطه با ترکیه بوده است. در دیدار رئیس‌جمهور سوریه بشار اسد از آنکارا در ژانویه ۲۰۰۵ که از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ اولین سفر یک رئیس‌جمهور سوریه به ترکیه محسوب می‌شود، بر این روابط حسنه بین دو کشور تأکید شد. این تغییر در روابط بین ترکیه و سوریه از نگرانی‌های دمشق بابت تهدیدات ملی‌گرایانه در بیسن کردهای سوریه حاصل می‌شود. اقلیت کرد نظیر ترکیه و ایران در سوریه نیز به تازگی تحولات وسیعی انجام داده‌اند. دولت اسد نگران است که ظهور یک دولت کرد در شمال عراق که از نظر اقتصادی قوی باشد، فشارهای مشابهی برای پیشرفت و ترقی اقتصاد و سیاست مردم کرد در سوریه داشته باشد. ارتباطات نزدیک سوریه و ترکیه در روابط ترکیه با واشنگتن تنش ایجاد کرده است. در دولت کلیتون این تنش‌ها قابل ملاحظه نبود، و گفت‌وگوی ترکیه با سوریه در برخی زمینه‌ها اشکالی ایجاد نمی‌کرد. اما دولت بوش که در پی منزوی کردن سوریه است از روابط ترکیه و سوریه ناخرسند می‌باشد. در بهار سال ۲۰۰۵ هنگامی که مقامات رسمی ایالات متحده در متقاعد کردن رئیس‌جمهور ترکیه احمد نجات سزر نسبت به لغو دیدارش از دمشق شکست خوردند، تنش بین ترکیه و ایالات متحده بالا گرفت. سزر از طرف اردوغان و شرکت‌های تجاری ترکیه مورد حمایت قرار گرفت، که شگفتی بسیار زیادی را در واشنگتن پدید آورد.

توازن شکننده

روابط سیاسی بین آنکارا با اسرائیل، و فلسطین نیز تغییر پیدا کرده است. ترکیه روابط نزدیک خود را با اسرائیل - و به خصوص روابط در حوزه دفاعی و اطلاعاتی - را

همچنان حفظ کرده است. این همکاری برای هر دو طرف منافع داشته است. به اسرائیل این امکان را داده است تا انزوای منطقه‌ای خود را بشکند و از این روابط به عنوان اهرم فشاری بر سوریه استفاده کند، و به ترکیه نیز این امکان را داده است تا به سلاحها و تکنولوژیهای پیشرفته دست یابد. آن هم در زمانی که با محدودیت‌های بیشتری در زمینه تدارکات تسلیحاتی از طرف ایالات متحده و اروپا روبه‌رو شده است. اما اخیراً تحت رهبری حزب عدالت و توسعه روابط ترکیه و اسرائیل تغییراتی داشته است و آنکارا یک سیاست عمل‌گرایانه‌ای را در پیش گرفته که به نفع فلسطین است. اردوغان نسبت به سیاست اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری انتقاد کرده است و اعمال اسرائیل را در آن مناطق تروریسم دولتی می‌خواند. در عین حال او به دنبال برقراری روابط نزدیک‌تر با رهبر فلسطینیان است. چند هفته پس از انتخابات در سرزمین فلسطین در ژانویه ۲۰۰۶، اردوغان میزبان یک هیئت عالی‌رتبه از حماس بود که ریاست آن را خالد مشعل برعهده داشت. اردوغان امیدوار است که این دیدار نقش دیپلماتیک ترکیه را در خاورمیانه افزایش دهد. این دیدار که بدون مشورت با واشنگتن و تل آویو انجام شده بود، خشم هر دو دولت فوق را برانگیخت زیرا آنها خواهان انزوای حماس بودند تا اینکه حماس برخی قواعد را رعایت کند، از جمله به رسمیت شناختن اسرائیل.

همچنین ترکیه در بحران سال گذشته در لبنان، یک موضع مستقل و مغایر با سیاست اسرائیل اتخاذ کرد. اردوغان به تندی حملات اسرائیل را محکوم کرد و در چند شهر مهم ترکیه تظاهرات برپا شد که در آن پرچم اسرائیل را سوزاندند. سازمانهای غیردولتی ترکیه نیز سیاستهای اسرائیل را در سرزمین لبنان و فلسطین محکوم کردند. پس از جنگ در لبنان اردوغان تصمیم گرفت هزار نیروی نظامی را برای شرکت در عملیات حفظ صلح در لبنان اعزام کند. این حرکت با انتقاد شدید احزاب اصلی در ترکیه و حتی برخی از هم‌حزبیهای اردوغان مواجه شد. آنها بیمناک بودند از اینکه ترکیه به جنگ مقابل حزب‌الله کشیده شود. شکاف بین سزر و اردوغان افزایش یافت. سزر با شرکت ترکیه در عملیات زمینی مخالفت می‌کرد و معتقد بود: «وظیفه ترکیه نیست که از منافع دیگران حمایت کند.» اردوغان نیز اعلام کرد که ترکیه نمی‌تواند از منافع ملی خودش حمایت کند در حالی که در فرآیند صلح شرکت نکند و یک «تماشاچی محض» باقی بماند.

مشارکت نیروهای نظامی ترکیه در مأموریت حفظ صلح سازمان ملل در لبنان، نه تنها هیچ خطری در بر نداشت بلکه منافع و دستاوردهای مهمی را به همراه داشت. این امر نشان داد که آنکارا یک بازیگر مهم منطقه‌ای است و در عین حال یک شخصیت اروپایی دارد. نتیجه این کار به ارتباطات بیشتر با ایالات متحده منجر شد و به کاهش تنش با ایالات متحده کمک کرد. از طرف دیگر به ترکیه اجازه داد همبستگی خود را با دولتهای کلیدی عرب در منطقه که از عملیات حفظ صلح حمایت کرده بودند، نشان بدهد.

روابط بین ترکیه و عربستان سعودی نیز گسترش ویژه‌ای یافته است. سفر شاه عبدالله به ترکیه در اگوست سال ۲۰۰۶ سفری بود که در ۴۰ سال اخیر در نوع خود بی‌سابقه است. دو کشور در تحرک بخشیدن به فرآیند صلح عربی - اسرائیلی با هم همکاری کردند. روابط ترکیه با مصر - دیگر قدرت منطقه‌ای - نیز اخیراً افزایش یافته است. رئیس‌جمهور مصر حسنی مبارک در دیدارش در ماه مارس ۲۰۰۷ از آنکارا، به همراه رهبران ترکیه تصمیم گرفتند که یک سری گفت‌وگوهای استراتژیک جدیدی را برقرار کنند که بر روی موضوعات امنیت منطقه‌ای و مشارکت در زمینه انرژی تمرکز داشته باشد.

رفتار جدید ترکیه در خاورمیانه به خصوص روابط بسیار نزدیک او با ایران و سوریه موجب نگرانی عده‌ای در واشنگتن شده است. برخی مقامات رسمی بیمناک هستند که از این طریق روابط بین ترکیه و غرب تضعیف شود، یا این که سیاست خارجی آنکارا به نوعی اسلامی شدن هدایت شود. اما این نگرانی‌ها بی‌مورد است. تحولات زیاد ترکیه در خاورمیانه، بخشی از فرآیند تنوع بخشی تدریجی به سیاست خارجی آن است که از انتهای جنگ سرد آغاز شده است. در نتیجه ترکیه در حال کشف منطقه‌ای است که به طور تاریخی با آن همگرایی دارد. به خصوص در زمان عثمانی که ترکیه قدرت مسلط خاورمیانه بود و تأکید آن در دوران جمهوری مبنی بر عدم شرکت در امور خاورمیانه غیرمتعارف و بدون دلیل به نظر می‌رسد. به هر حال سیاستگذاران ایالات متحده نیز باید عادت کنند، با ترکیه‌ای روبه‌رو هستند که تفکرات غیروابسته دارد و منافعی را در خاورمیانه دنبال خواهد کرد لذا ترکیه در پذیرش درخواست ایالات متحده در قبال استفاده از پایگاه‌های نظامی برای عملیات‌های نظامی در خاورمیانه و خلیج فارس هنگامی که ایالات متحده در قالب ناتو یا همسو با منافع ترکیه عمل نمی‌کند، بی‌نهایت محتاط عمل خواهد کرد.